

**The Needs of Implementing a Community-Based Empowerment Program for
Empowering Entrepreneurial People with Disabilities in Rural Areas of
Kermanshah Province: A Qualitative Approach**

B. Rezaee¹ , A. Pazhouhan² , Kh. Azizi³ , M. Soleimani⁴ 

Received: 6 February, 2025

Accepted: 12 April, 2025

Abstract

Introduction

Employment plays a crucial role in people's lives, affecting their relationships, health, and overall well-being. However, individuals with disabilities often face exclusion from the labor market. This study focuses on identifying the needs for implementing a community-based rehabilitation program to empower disabled individuals in rural areas of Kermanshah province.

Materials and Methods

The research community consisted of university experts in the fields of entrepreneurship, economics, business management, psychology, and welfare sciences; welfare experts and related organizations involved in the employment of disabled individuals; and disabled entrepreneurs. Sampling continued using theoretical and purposeful sampling methods until theoretical saturation was reached. Data were collected through semi-structured in-depth interviews. The validity of the research was confirmed in 1403

-
1. Associate Professor, Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.
 2. Corresponding Author and Assistant Professor, Department of Public Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Pazhouhan@pnu.ac.ir)
 3. Ph.D. Student in Entrepreneurship, Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.
 4. Ph.D. in Entrepreneurship, Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.

DOI: 10.30490/rvt.2025.367385.1649

through methods such as long-term engagement, continuous observation, selection of appropriate samples, simultaneous data collection and analysis, and review by research participants. The reliability of the research was also confirmed using the Holistic Re-test reliability method. Through open coding, 81 initial codes, 15 main concepts, and 6 themes related to the needs of implementing a community-based empowerment program for disabled entrepreneurs were identified.

Results and Discussion

The study identified key needs for implementing a community-based rehabilitation program, including attention to individual differences, economic sustainability, reducing migration, poverty alleviation, infrastructure development, legal compliance, climate crisis resilience, and leveraging local job opportunities.

Conclusions

The study emphasizes the importance of addressing individual differences, ensuring economic sustainability, preventing migration, reducing poverty, strengthening local infrastructure, meeting legal obligations, addressing climate crises, and utilizing local job opportunities for the entrepreneurial empowerment of disabled individuals in rural areas.

Keywords: Entrepreneurship, Empowerment, Rehabilitation, Disabilities, Kermanshah Province.

روستا و توسعه

سال ۲۷، شماره ۱۰۸، زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینان معلولین مناطق روستایی استان کرمانشاه: یک رویکرد کیفی

بیژن رضایی^۱، ایوب پژوهان^۲، خدیجه عزیزی^۳، معین سلیمانی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینان معلولین در مناطق روستایی استان کرمانشاه انجام شد. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش پژوهش، کیفی و از نوع مطالعات اکتشافی بود. جامعه مورد مطالعه پژوهش را خبرگان دانشگاهی در رشته‌های کارآفرینی، اقتصاد، مدیریت کسب و کار، روان‌شناسی و علوم بهزیستی؛ کارشناسان بهزیستی و سازمان‌های ذی‌ربط که با امر اشتغال افراد معلول در ارتباط هستند؛ و نیز افراد معلول کارآفرین تشکیل دادند. نمونه‌گیری به روش نظری و هدفمند و از نوع گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق گردآوری شدند. روایی پژوهش با استفاده از روش‌هایی نظیر درگیری طولانی‌مدت و مشاهده مداوم، انتخاب نمونه‌های مناسب، گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها و بازنگری توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش، در سال ۱۴۰۳ مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پژوهش نیز، با استفاده از روش پایایی بازآزمون هولستی مورد تأیید قرار گرفت. با استفاده از فرایند کدگذاری باز، ۸۱ کد اولیه،

۱- دانشیار، گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲- نویسنده مسئول و استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (Pazhouhan@pnu.ac.ir)

۳- دانشجوی دکتری کارآفرینی، گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۴- دکتری کارآفرینی، گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۱۵ مفهوم اصلی و ۶ مقوله در راستای ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان، احصاء گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از این بود که شش مقوله توجه به تفاوت‌های فردی افراد معلول، پایداری اقتصادی، کاهش مهاجرت، کاهش فقر و نابرابری اقتصادی، نیاز به برنامه‌ریزی برای تقویت زیرساخت‌های محلی و خدماتی، اجرای تعهدات قانونی و بین‌المللی، تأثیر بحران‌های طبیعی و اقلیمی و ضرورت بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی موجود، از ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان ساکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه است. به‌طور کلی، تقویت آموزش‌ها و کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، ایجاد فرصت‌های کارآفرینانه و شغلی پایدار، تنوع در الگوهای کسب و کار، اجرای اثربخش قوانین حمایتی و توانمندسازی روانی و مهارتی، می‌تواند در توانمندسازی کارآفرینانه معلولین مناطق روستایی تأثیرگذار باشد.

کلید واژه‌ها: کارآفرینی، توانمندسازی کارآفرینانه، توانبخشی مبتنی بر جامعه، معلولین، استان کرمانشاه.

مقدمه

اشتغال یکی از مهمترین جنبه‌هایی است که می‌تواند زندگی، روابط شخصی و حتی سلامتی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. اشتغال رکن اساسی جامعه و یکی از فعالیت‌های اصلی در جوامع است که به سازمان‌دهی زندگی مردم، توسعه روانی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها کمک می‌کند (Barba-Sánchez et al., 2024). همچنین، اشتغال اغلب به‌عنوان یکی از محوری‌ترین زمینه‌ها برای ایجاد امنیت اجتماعی و مشارکت در نظر گرفته می‌شود. در این راستا، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد معلول، به حق کسب درآمد از طریق کار آزادانه در بازار کار و در یک محیط کاری باز اشاره می‌کند. با این حال، افراد دارای معلولیت در سراسر جهان اغلب دور از بازار کار هستند (Norstedt & Germundsson, 2021). بر اساس تخمین سازمان بهداشت جهانی، ۱۵ درصد از کل مردم جهان یعنی تعدادی بیش از یک میلیارد نفر، حداقل از یک نوع معلولیت رنج می‌برند (World Health Organization & world Bank, 2017). تعداد افراد دارای معلولیت تحت پوشش خدمات بهداشتی در ایران نیز بالغ بر ۱/۵ میلیون نفر است که ۳۶۰ هزار نفر (۲۴ درصد) دارای معلولیت خفیف، بیش از ۴۶۷ هزار نفر (۳۱/۱۵ درصد) دارای معلولیت متوسط، افزون بر ۵۶۷ هزار نفر (۳۷/۸۱ درصد) دارای معلولیت شدید و حدود ۱۰۶ هزار نفر (۷/۰۴ درصد) دارای معلولیت خیلی شدید هستند (National Welfare Organization, 2023). بر اساس آمار اداره کل بهداشتی استان کرمانشاه، ۴۶ هزار نفر معلول در استان کرمانشاه زندگی می‌کنند که این میزان از میانگین کشوری بالاتر است. از این تعداد حدود ۲۵ هزار نفر (۵۴/۳۵ درصد) در مناطق شهری و مابقی در

مناطق روستایی (۴۵/۶۵ درصد) زندگی می‌کنند. از این میزان فقط تعداد اندکی شامل ۱۵۸۷ نفر (۴ درصد) شاغل هستند (General Department of Welfare of Kermanshah Province, 2024). نخستین گزارش جهانی معلولین که از سوی بانک جهانی و سازمان بهداشت جهانی منتشر شده حاکی از این است که افراد معلول با نرخ‌های بالاتر فقر روبرو هستند و فرصت‌های اقتصادی کمتری در مقایسه با افراد بدون معلولیت در اختیارشان قرار می‌گیرد (Mang'eni, 2021). از آنجاکه افراد دارای معلولیت اغلب برای ورود به بازار کار با چالش‌هایی مواجه هستند، کارآفرینی اغلب به عنوان فرصتی برای کسب شغل و درآمد برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود (Norstedt & Germundsson, 2021).

کارآفرینی می‌تواند مزایا و فرصت‌هایی را برای برآورد الزامات مربوط به معلولیت و ارائه برنامه‌های کاری انعطاف‌پذیر ارائه دهد. افزون بر این، کارآفرینی می‌تواند سطح بیشتری از خودمختاری، استقلال، انتخاب و رضایت را برای معلولین به ارمغان آورد. علی‌رغم افزایش تأکید بر حمایت از افراد دارای معلولیت، محققان طیف وسیعی از چالش‌های سیستمی را شناسایی کرده‌اند. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به مواردی نظیر ساختارهای مالی دولتی اشاره کرد که کارآفرین را دلسرد می‌کند، همچنین دسترسی محدود به کارآفرینی و حمایت از کسب و کار، و به‌طور بالقوه چالش‌های مرتبط با بانک‌ها، مشتریان و تأمین‌کنندگان (Dakung et al., 2023) از دیگر موارد است. از این رو کارآفرینی طی دو دهه گذشته به عنوان یک رویکرد فقرزدایی جهت مقابله با شیوع بیکاری و اشتغال ناقص افراد معلول مورد توجه جدی قرار گرفته و رونق یافته است. بر اساس آمار اداره کار ایالات متحده، نرخ بسیار بالاتری از افراد دارای معلولیت (۱۱/۸ درصد) در مقایسه با جمعیت عمومی (۶/۶ درصد) خوداشتغال هستند. این مبحث به حوزه‌ای از انگیزه کارآفرینی اشاره می‌کند که در تحقیقات اشتغال معلولان تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. در ابتدا فرض بر این بود که افراد دارای معلولیت ممکن است به دلیل فقدان سایر گزینه‌های موجود (انگیزه فشار) و نه لزوماً به دلیل علاقه، مهارت یا اشتیاق آن‌ها برای راه‌اندازی یک کسب و کار (انگیزه کششی)، خوداشتغالی یا کارآفرینی را انتخاب کنند. بخشی از دلیلی که چرا به این شیوه برخورد شده است این است که برنامه‌های کمک به خوداشتغالی و سیاست‌گذاری کارآفرینی، به‌طور عمده در پاسخ به موانع نگرشی فراگیر پیش روی افراد دارای معلولیت در اشتغال، محدود کردن فرصت‌ها برای ورود به بازار کار و پیشرفت شغلی به وجود آمده است. تحقیقات کمی در این زمینه وجود دارد. در حال حاضر به‌خوبی درک نشده است که اگر افراد دارای معلولیت همچنان با موانع نگرشی مواجه شوند، چه انگیزه‌ای

برای دنبال کردن کارآفرینی ایجاد می‌کند و آیا عوامل انگیزشی و نگرشی بر کارآفرینی آن‌ها تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ (Caldwell et al., 2016).

یکی از رویکردهایی که در راستای توانمندسازی کارآفرینانه معلولین می‌تواند بر افزایش کیفیت زندگی افراد ناتوان و خانواده‌های آن‌ها، رفع نیازهای اساسی آن‌ها، حصول اطمینان از فراگیرسازی و مشارکت افراد ناتوان و خانواده‌های آن‌ها تأثیرگذار باشد، رویکرد توانبخشی مبتنی بر جامعه^۱ است (Raj & Thomas, 2015). رویکرد توانبخشی مبتنی بر جامعه، راهبردی در درون برنامه توسعه جامعه برای ارائه خدمات توانبخشی، برابری فرصت‌ها، فراگیرسازی اجتماعی و کاهش فقر افراد معلول است. این برنامه از طریق تلاش‌های مشترک افراد معلول و خانواده آن‌ها، افراد جامعه، سازمان‌های افراد معلول و سایر مؤسسات خدمات‌رسانی دولتی و غیردولتی، آموزشی، اجتماعی، شغلی و مانند آن اجرا می‌شود (National Welfare Organization, 2023). امروزه اهداف اصلی توانبخشی وسیع‌تر از روزهای آغازین شده و از تمرکز بر فرد فراتر رفته است. هم‌اکنون مداخلات توانبخشی مبتنی بر جامعه، تمرکز بر زندگی افراد ناتوان و خانواده‌های آن‌ها دارد و نیز جامعه محلی که فرد به آن تعلق دارد (Iravani et al., 2011). افراد دارای معلولیت که به دنبال اشتغال و کسب درآمد هستند، تمایل دارند تا دریافته‌های عادلانه‌ای داشته باشند؛ هرچند آن کار در قالب کسب و کارهای کوچک و در راستای توانمندی آن‌ها باشد. درحالی که معلولیت فرد ممکن است چالش عمده‌ای در کسب اشتغال باشد؛ اما مشاغل زیادی وجود دارد که افراد معلول و یا ناتوان جسمی می‌توانند به‌عنوان شغل مناسب بیابند (Miller & Breton, 2017; Vakil-e-Raaya & Aghvami, 2019). افراد معلول زیادی وجود دارند که به دلیل تبعیض و برداشت‌های منفی متفاوت از سوی کارفرمایان در بازار کار مجبور به کارآفرینی می‌شوند (Mang'eni, 2021). افزون بر این، عواملی که بیشتر بر تصمیمات معلولین برای کارآفرین شدن تأثیر می‌گذارد، خودکوفایی، خودمختاری، آزادی و استقلال است (Barba-Sánchez et al., 2024).

در همین راستا، یافته‌های مطالعات قبلی حاکی از این است که افراد دارای معلولیت انگیزه‌های مختلفی برای راه‌اندازی کسب و کار دارند. ازجمله این انگیزه‌ها می‌توان به مواردی از قبیل دلایل اقتصادی، مستقل بودن و توانایی تصمیم‌گیری در مورد الگوهای کاری خود، جلوگیری از تبعیض، توسعه شخصی و مشارکت مثبت در زندگی دیگران اشاره نمود (Norstedt & Germundsson, 2021). نتایج پژوهش‌های صورت گرفته بیانگر آن است که افراد دارای معلولیت

در کشورهای مختلف و در مقایسه با سایر افراد جامعه خود، امکانات اولیه زندگی مانند بهداشت، مسکن، آموزش و شغل مناسب ندارند (Hwang & Roulstone, 2015). وجود این تبعیض‌ها، آثار زیانباری بر زندگی فردی و اجتماعی معلولان دارد و اصلی‌ترین چالش زندگی آن‌ها است (Rahbar et al., 2013). از این رو، توجه به اشتغال و نیازهای اجتماعی معلولان، یک سیاست عمومی و دغدغه مدیریتی در سطح جهانی است (Martin & Honing, 2020). البته اهمیت اشتغال برای معلولان علاوه بر تأمین نیازهای مالی، منافع پنهانی نیز برای آنان در بردارد؛ مانند هویت و منزلت اجتماعی، احساس ارزشمند بودن، روابط و حمایت اجتماعی، افزایش امید به زندگی، مسئولیت‌پذیری و کاهش نگرانی و اندوه (Mahmoudian Dehkordi & Baghban, 2007).

کسب و کار و اشتغال معلولان یکی از مشکلات و معضلاتی است که اگرچه گروه‌ها و مسئولان ذی‌ربط تا حدودی آن را بررسی کرده‌اند، اما از دیدگاه کارآفرینی تاکنون به‌طور جدی و در حد مناسب مورد بررسی قرار نگرفته است (Ebrahiminejad et al., 2018). اغلب نظریه‌ها و پژوهش‌ها، کارآفرینان را افرادی توانا و بدون معلولیت در نظر گرفته‌اند. این در حالی است که افراد دارای معلولیت هم باید مانند سایر افراد جامعه از فرصت‌های استخدامی، اشتغال و حضور در کلیه عرصه‌های اجتماعی برخوردار باشند. آن‌ها باید مشارکت اجتماعی داشته و نقشی در اقتصاد کشور خود ایفا کنند تا بتوانند به کسب درآمد و حفظ استقلال فردی و اقتصادی خود بپردازند و تنها وابسته به دریافت مستمری و کمک‌های مؤسسات خیریه نباشند (Soltani Movaghar, 2011). آنچه در اشتغال و راه‌اندازی کسب و کار و خلاقیت معلولین حائز اهمیت است این است که تنها خود معلول نیست که دچار تغییر وضعیت می‌شود؛ بلکه خانواده، اطرافیان و خود جامعه هم از این اتفاق سودمند می‌شوند. لذا ایجاد زمینه حضور در فعالیتهای کارآفرینی می‌تواند یکی از مهم‌ترین راهکارها جهت توانمندسازی این بخش مهم از جامعه باشد (Vakil-e-Raaya & Aghvami, 2019). در همین راستا، معلولین ساکن مناطق روستایی و کم برخوردار، به دلیل محدودیت فرصت‌های شغلی و کارآفرینی و محرومیت‌های ناشی از منابع و امکانات مالی و توسعه‌ای، با چالش‌های بیشتری برای اشتغال و کارآفرینی مواجه هستند. با توجه به گذشت حدود دو دهه از اجرای برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه در مناطق روستایی استان کرمانشاه، به نظر می‌رسد موانع متعددی برای توانمندسازی کارآفرینانه و اشتغال معلولین در مناطق روستایی استان کرمانشاه وجود دارد که تاکنون موانع و مشکلات درون و برون‌سازمانی شناسایی نشده است.

مبانی نظری

معلولیت و اشتغال معلولین

سازمان جهانی بهداشت، معلولیت را پدیده‌ای پیچیده و ناشی از تعامل بین ویژگی‌های فردی و محیط اجتماعی تعریف می‌کند و افراد معلول را افرادی تعریف می‌کند که دارای اختلالات جسمی، ذهنی، فکری یا حسی طولانی‌مدت هستند که در تعامل با موانع مختلف، ممکن است مانع مشارکت کامل و مؤثر آن‌ها در جامعه به‌صورت برابر با دیگران شود (Barba-Sánchez et al., 2024). به عبارت دیگر، معلولیت را می‌توان نوعی نقص بیان کرد که منجر به محدودیت مداوم در فعالیت‌های روزانه می‌شود. طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۱) ناتوانی در سراسر جهان به دلیل افزایش جمعیت سالمندان و افزایش شیوع بیماری‌های مزمن در حال رشد است. معلولیت هم علت و هم نتیجه فقر است. معلولان از نظر تحصیلات و یافتن شغل مناسب عقب مانده‌اند که نتیجه آن فقر است. همچنین شرایط زندگی افراد فقیر می‌تواند منجر به نوعی ناتوانی شود. افراد معلول ممکن است متفاوت از هم باشند و توانایی‌ها و علایق متنوعی داشته باشند؛ اما همه آن‌ها یک مشکل مشترک را تجربه می‌کنند و آن محرومیت اقتصادی به دلیل معلولیت است. تأثیر نامطلوب معلولیت بر آموزش و اشتغال توسط محققان مختلف مورد تأیید قرار گرفته است و تشویق به کارآفرینی در بین معلولان برای دستیابی به یکپارچگی اقتصادی سریع‌تر و بهتر پیشنهاد شده است (Uddin & Jamil, 2020). فرصت‌های استخدامی برای معلولان اندک است و در بیشتر کشورها از جمله ایران، قوانینی مبنی بر الزام کارفرمایان برای استخدام معلولان وضع شده است؛ ولی گاه دیده می‌شود که در اجرای این قوانین، اهمال شده و از بکارگیری این افراد در مشاغلی که استعداد و توانایی انجام دادن آن‌ها را دارند، به دلیل نداشتن ظاهر مورد قبول جامعه، سر باز زده می‌شود (Saxena & Pandya, 2018; Ebrahiminejad et al., 2018). از این‌رو، یکی از رایج‌ترین و انعطاف‌پذیرترین روش‌های اشتغال معلولان، خوداشتغالی است. معلولان در این‌گونه اشتغال، متناسب با توانایی‌ها و علاقه خود کاری مولد انجام می‌دهند، کالایی را تولید می‌کنند یا خدماتی را ارائه می‌دهند. استقلال قابل توجهی در خوداشتغالی در ساعت و نحوه کار وجود دارد و دامنه فعالیت بسیار گسترده است و انجام آن در همه مکان‌ها امکان‌پذیر است (Bagheri et al., 2015). افراد معلول که به دنبال اشتغال و کسب درآمد هستند، تمایل دارند تا دریافته‌های عادلانه‌ای داشته باشند، هرچند آن کار در قالب کسب و کارهای کوچک و در راستای توانمندی آن‌ها باشد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد در کشورهای مختلف معلولان در مقایسه با سایر افراد جامعه از امکانات اولیه زندگی از قبیل آموزش، شغل مناسب، مسکن،

بهداشت و غیره برخوردار نیستند (Hwang & Roulstone, 2015). این مسائل به‌عنوان اصلی‌ترین چالش زندگی معلولان، آثار منفی بر زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها دارد و نه تنها معلولان، بلکه طیف وسیعی از اطرافیان و به‌طور کلی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Bagheri et al., 2015). کمبود فرصت‌های شغلی و اشتغال پایدار برای افراد دارای معلولیت، مشکلات و چالش‌های فردی و اجتماعی زیادی را ایجاد می‌کند. علاوه بر این، نتایج پژوهش‌ها نشان دادند، افراد دارای معلولیت، دستمزد و مزایای شغلی کمتر و همچنین فرصت‌های محدود برای ارتقاء و پیشرفت شغلی دارند. بنابراین افراد دارای معلولیت، نرخ فقر بیشتری را تجربه می‌کنند و لذا یکی از راهکارهای حل این مسائل، ترویج کارآفرینی در بین معلولان است (Yamamoto et al., 2011). اهمیت کار و شغل برای معلولان تا جایی است که از فرصت اشتغال به‌عنوان یکی از مهمترین سازه‌های اثرگذار بر کیفیت زندگی معلولان و پیش‌شرط لازم برای برگرداندن آن‌ها به آغوش جامعه یاد شده است (Bagheri et al., 2015). بالابودن میزان کارآفرینی در بین معلولان در مقایسه با سایر افراد (Holub, 2001) بیانگر ترجیح این قشر از جامعه به کارآفرینی به جای کار برای افراد و سازمان‌های دیگر است و این موضوع در برخی پژوهش‌ها گزارش شده است. معلولان با کارآفرینی مزیت‌های شخصی، مالی، اجتماعی و اشتغال پایدار را کسب خواهند کرد (Pagán, 2009). با توجه به مشکلاتی که معلولان با آن روبرو هستند، کارآفرینی آن‌ها در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است (Yamamoto et al., 2011). با این حال، بیشتر پژوهش‌های انجام شده در مورد کارآفرینی، کارآفرینان را افراد توانمند و بدون معلولیت می‌دانند و در ادبیات کارآفرینی، کارآفرینی معلولان جایگاه کم‌رنگی دارد (Roni, 2009). بررسی وضعیت معلولین در ایران نشان می‌دهد که مسائل متعدد و متراکم در این بخش وجود دارد و معلولان از نظر تاریخی مورد غفلت واقع شده و علی‌رغم شرایط سخت زندگی در نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی به آن‌ها توجه نشده است و هنوز هم در اولویت برنامه‌ریزی قرار ندارند (Asadi et al., 2022). علی‌رغم اینکه قوانینی در ایران مبنی بر ملزم کردن کارفرمایان برای بکارگیری معلولان وضع شده است؛ اما در بسیاری موارد کارفرمایان بنا به دلایلی از بکارگیری معلولان در مشاغلی که توانایی و استعداد آن را دارند، اجتناب می‌کنند (Ebrahiminejad et al., 2018).

توانمندسازی کارآفرینانه معلولین

افراد معلول نه تنها سطح بالاتری از بیکاری را تجربه می‌کنند؛ بلکه به احتمال زیاد با درآمد پایین و تبعیض نیز مواجه می‌شوند. معلولین علی‌رغم معلولیت‌هایی که دارند، تلاش می‌کنند مشارکت

خود را در فعالیتهای کارآفرینانه افزایش دهند. فرض بر این است که این مشارکت آنها در کارآفرینی پاسخی به تبعیض موجود در استخدام باشد. ورود معلولین به کارآفرینی نه تنها گزینه شغلی جایگزین به آنها ارائه می‌دهد بلکه توانایی هدف قرار دادن بازارهایی که شانس موفقیت در آنها اندک است را نیز برای آنان فراهم می‌کند (Hsieh et al., 2019). افراد دارای معلولیت اغلب به‌سختی می‌توانند کار دستمزدی پیدا کنند. یکی از راه‌های کسب درآمد، راه‌اندازی کسب و کار شخصی است (Norstedt & Germundsson, 2021). کارآفرینی ممکن است در میان کسانی که کسب و کار خود را راه‌اندازی می‌کنند، مزایای مثبت بیشتری داشته باشد، به‌ویژه در میان افرادی که ورود به بازار کار برای آنها دشوار است. کارآفرینی به‌خودی‌خود ارزش اجتماعی غیر قابل انکاری دارد؛ زیرا به توسعه اجتماعی-اقتصادی زمینه‌ای که در آن اتفاق می‌افتد کمک می‌کند. باین‌حال، هنگامی که به‌ویژه در میان گروه‌های آسیب‌پذیر توسعه می‌یابد، تأثیر این ارزش بر جامعه و به‌ویژه گروه افراد دارای معلولیت غیر قابل سنجش است (Barba-Sánchez et al., 2024). در حال حاضر، برخی از افراد دارای معلولیت وجود دارند که کسب و کارهای کوچک و متوسط را اداره می‌کنند. این بدان معناست که کارآفرینی قبلاً توسط برخی از افراد دارای معلولیت رشد داشته یافته، اما هنوز به میزان کافی توسعه نیافته است. کارآفرینی رویکردی اساسی برای دستیابی معلولین به جایگاه اجتماعی و کاری و توانمندسازی آنها است. معلولین با مشارکت در فعالیتهای کارآفرینانه می‌توانند قدرت و اتکای خود را افزایش دهند. آنها همچنین می‌توانند زندگی شرافتمندانه‌ای را مطابق با ارزش‌های خود داشته باشند (Jalali & Kasaeipour, 2022). کارآفرینان معلول برای شناسایی فرصت‌های کارآفرینی به عوامل مختلفی شامل دانش قبلی در مورد کارآفرینی، شبکه‌های اجتماعی و هوشیاری کارآفرینی وابسته هستند. انگیزه کارآفرینی افراد معلول را به دلیل تمایل به تحمل ریسک کارآفرین شدن و سطح انعطاف‌پذیری یا آزادی اداره کسب و کار جذب می‌کند (Mang'eni, 2021). از نظر حمایت از کارآفرینی و خوداشتغالی، افراد دارای معلولیت اغلب به حاشیه رانده شده و نادیده گرفته شده‌اند. چنین بی‌توجهی موانعی را برای مشارکت کارآفرینی برای افراد معلول ایجاد کرده است. باین‌حال، کارآفرینان دارای معلولیت همچنان می‌توانند با ایجاد ثروت، اشتغال و نوآوری بالقوه، به شیوه‌ای که افراد دارای معلولیت نیستند، سهم اساسی در جامعه داشته باشند. همچنین کارآفرینی و خوداشتغالی می‌تواند روشی بسیار ارزشمند برای وارد کردن افراد دارای معلولیت به نیروی کار و جریان اصلی اقتصادی باشد. تحقیقات نشان داده است که خوداشتغالی، سرمایه‌گذاری خرد و کارآفرینی استراتژی‌های شغلی مناسبی برای افراد دارای معلولیت هستند. در نتیجه، کارآفرینی می‌تواند

منبع مهمی برای رشد اقتصادی فراگیر و پایدار باشد که پتانسیل افزایش مشارکت افراد معلول در جامعه را دارد (Dakung et al., 2023).

توانبخشی مبتنی بر جامعه

توانبخشی مبتنی بر جامعه (CBR) بستری است که از طریق آن برنامه‌های توانبخشی برای افراد با نیازهای ویژه در جامعه ارائه می‌شود. هدف اصلی توانبخشی مبتنی بر جامعه فراهم کردن ظرفیت برای توسعه جامعه برای رسیدگی به نیازهای توانبخشی افراد دارای معلولیت (Amwe & Dala, 2023). سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۰) پنج مؤلفه کلیدی استراتژی توانبخشی مبتنی بر جامعه را شناسایی نموده که شامل سلامت، آموزش، معیشت، اجتماعی و توانمندسازی است (World Health Organization, 2011). برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه در ایران از سال ۱۳۷۴ در مناطق روستایی کشور آغاز شده است و امروزه بخشی از قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. توانبخشی مبتنی بر جامعه، برنامه‌ای برای ارائه خدمات توانبخشی، کاهش فقر، برابری فرصت‌ها و فراگیرسازی اجتماعی افراد دارای معلولیت است که از طریق تلاش‌های مشترک افراد دارای معلولیت، خانواده‌ها و سازمان‌های آن‌ها، اعضای جامعه و سایر بخش‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال و اجتماعی انجام می‌شود. این برنامه تلاش دارد تا از یک سو افراد دارای معلولیت در مناطق روستایی و محروم شهری به خدمات کلیدی به‌ویژه در زمینه سلامت، آموزش، تأمین معاش و... دسترسی پیدا کنند و از سوی دیگر با رفع موانع فیزیکی، نگرشی، قانونی و ارتباطی سعی دارد تا زمینه‌های مشارکت افراد دارای معلولیت در جامعه فراهم شود. به نحوی که آن‌ها بتوانند مانند سایر افراد جامعه از مزایای توسعه برخوردار شوند و نقش مؤثری در توسعه جامعه خود داشته باشند. در این میان، ایجاد دسترسی به خدمات و برنامه‌های مرتبط با حوزه سلامت، آموزش، اشتغال و اجتماعی، توانمندسازی افراد دارای معلولیت از طریق تشکیل گروه‌های خودیار، تشکیل صندوق‌های خرد محلی و عضویت در سازمان‌های افراد دارای معلولیت و سایر گروه‌های فعال در روستا، رفع موانع فیزیکی، نگرشی، ارتباطی و قانونی در جامعه برای حضور افراد دارای معلولیت در جامعه، گسترش همکاری بین‌بخشی با بخش‌های دولتی و غیردولتی به‌منظور عامل‌سازی افراد دارای معلولیت در برنامه و اقدامات مرتبط با سایر نهادها و جلب مشارکت جامعه برای اجرای برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه از اهم برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه است. اما بر اساس اعلام سازمان بهزیستی کشور، حدود ۹۶ درصد جمعیت روستایی کشور (۲۱ میلیون و ۶۲۱ هزار و ۴۳۵ نفر) تا پایان سال ۱۴۰۰ تحت پوشش برنامه

توانبخشی مبتنی بر جامعه قرار گرفته‌اند که این جمعیت ساکن در ۴۴۲ شهرستان و ۵۳ هزار و ۷۲۶ روستا است (National Welfare Organization, 2024).

در ادامه خلاصه نتایج پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش ارائه شده است. وفایی و همکاران (Vafaei et al., 2021) در پژوهشی با عنوان ارائه مدل کارآفرینی معلولین با رویکرد خلاقیت و خودشکوفایی با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، راهبردها را تغییرات فرایندی، ارزش‌گذاری و آگاهی‌بخشی کارآفرینی و پیامدها را خودشکوفایی، نوآوری و خلاقیت و تفکر مدیران جدید معرفی کردند. شواهد موجود در پژوهش وکیل‌الرعا و اقوامی (Vakil-e-Raaya & Aghvami, 2019) با عنوان تحلیل اثربخش عوامل مؤثر بر اشتغال و راه‌اندازی کسب و کار معلولین حاکی از این بود که عوامل مالی، فردی، دولتی، خانوادگی و کارجویانه تأثیر مثبت و معناداری بر گرایش معلولین به کسب و کار دارد؛ ولی عامل اعتقادی تأثیر معناداری بر گرایش معلولین به کسب و کار ندارد. نتایج پژوهش ابراهیمی‌نژاد و همکاران (Ebrahiminejad et al., 2018) با عنوان شناسایی و اولویت‌بندی موانع اشتغال معلولان حرکتی در بخش خصوصی از دیدگاه کارآفرینان و معلولان نشان داد که معلولان حرکتی در زمینه اشتغال در بخش خصوصی، با پنج مانع اصلی شامل توانایی‌های فردی، راهبردی، محیطی، هزینه‌ای و نگرشی روبرو هستند. حسینی (Hosseini, 2018) نیز در بررسی تجربه توانمندسازی معلولان در ژاپن، به این نتیجه دست یافت که ایجاد اشتغال حمایتی برای معلولان باعث توسعه جامعه عاری از محدودیت برای افراد دارای ناتوانی و ارتقاء سبک زندگی افراد دارای ناتوانی در جامعه می‌شود. باقری و همکاران (Bagheri et al., 2015) در پژوهشی با عنوان شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه با تأکید بر معلولان جسمی-حرکتی به این نتیجه رسیدند که شایستگی‌های شناسایی فرصت، ارتباطی، مفهومی، سازمان‌دهی، راهبردی، تعهد، شایستگی‌های فردی و مدیریتی کسب و کار بودند که به دو بعد شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های مدیریتی کسب و کار قابل تقسیم هستند. محمدی و ممیز (Mohammadi & Momayez, 2014) در پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در کارآفرینی فناورانه اجتماعی در حوزه ارائه خدمات شهری به معلولان به این نتیجه رسیدند که عوامل مرتبط با آموزش، استانداردسازی، سیستم‌های نظارتی و بازخو، شبکه‌سازی، نوآوری فناورانه، مدیریت فناوری، اتحاد با مراکز رشد، پویایی‌های تیمی و بازاریابی، عوامل کلیدی موفقیت هستند. رهبر و همکاران (Rahbar et al., 2013) در پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر فعالیت شرکت‌های کوچک و متوسط مبتنی بر فناوری در حوزه خدمات معلولین به این نتیجه رسیدند که عوامل مرتبط با قابلیت‌های

درونی، ویژگی‌های شبکه‌های خارجی، نهادی، فرهنگی، هنجاری و نظارتی، بر فعالیت شرکت‌های کوچک و متوسط مبتنی بر فناوری در حوزه خدمات معلولین در مدیریت شهری تهران مؤثر هستند. باربا-سانچز و همکاران (Barba-Sánchez et al., 2024) در پژوهشی با عنوان تأثیر کارآفرینی بر رضایت از زندگی معلولان ذهنی به این نتیجه دست یافتند که کارآفرینی در افراد دارای ناتوانی ذهنی تأثیر مثبتی بر کیفیت زندگی، رضایت شغلی و رضایت از زندگی داشته است. داکونگ و همکاران (Dakung et al., 2023) نیز در پژوهشی با موضوع اشتیاق و نیت در میان کارآفرینان معلول به این نتیجه رسیدند که شوق کارآفرینی و برنامه‌های حمایت از کارآفرینی با قصد کارآفرینی مرتبط است و برنامه‌های حمایت از کارآفرینی نیز رابطه بین اشتیاق کارآفرینانه و قصد کارآفرینی را تعدیل می‌کند. مارین-پالاسیوس و همکاران (Marín-Palacios et al., 2022) در بررسی خود به این نتیجه دست یافتند که عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر افراد دارای معلولیت مانند ناتوانی فکری مختلف، اشتغال و تحصیلات به‌عنوان یکی از علل آسیب‌رسان به ورود آن‌ها به حوزه کار است. لوپزفیلیپه و مانزانرا رومان (López-Felipe & Manzanera-Román, 2019) در پژوهشی با عنوان تأثیر خانواده بر کارآفرینی افراد معلول در اسپانیا، به این نتیجه دست یافتند که حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی در کنار فراهم بودن بسترهای لازم، نقش مؤثری در موفقیت کارآفرینی معلولین دارد. گریس و همکاران (Grisé et al., 2019) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که موقعیت‌های ارتباطی و تیم‌های مشارکتی، آموزش کارکنان در زمینه بهداشت روانی و مشکلات نیروی کار و مشارکت چندسطحی افراد دارای معلولیت، موجب تقویت عملکرد معلولان در محیط کار می‌شود.

بررسی ادبیات نظری و پیشینه تجربی مطالعه‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور حاکی از آن است که پژوهش‌های محدودی در زمینه برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان به‌ویژه با رویکرد کیفی انجام شده است. بر این اساس، این مطالعه سعی دارد تا این شکاف نظری را تا حد امکان برطرف نموده و راهبردهایی جهت توانمندسازی کارآفرینانه معلولان به‌ویژه با رویکرد توانبخشی مبتنی بر جامعه در استان کرمانشاه ارائه نماید. بنابراین بررسی پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان به‌صورت مشخص مورد بررسی قرار نگرفته و هیچ الگو یا چارچوب عملی و نظام‌مندی در این زمینه وجود ندارد تا مدیران سازمان‌های متولی توانمندسازی کارآفرینانه معلولین را در امر

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری راهنمایی نماید. بنابراین، این امر حاکی از نوآوری و جدید بودن پژوهش حاضر است و انجام پژوهش حاضر را اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌نماید.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش پژوهش، کیفی و از نوع مطالعات اکتشافی است که با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای استقرایی در سال ۱۴۰۳ انجام شد. جامعه مورد مطالعه پژوهش را خبرگان دانشگاهی در رشته‌های کارآفرینی، اقتصاد، مدیریت کسب و کار، روان‌شناسی و علوم بهزیستی؛ کارشناسان بهزیستی و سازمان‌های ذی‌ربط که با امر اشتغال افراد معلول در ارتباط هستند؛ و افراد معلول کارآفرین تشکیل داد. نمونه‌گیری به روش نظری و هدفمند و از نوع گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری (۳۷ مصاحبه) ادامه یافت. برای پاسخ به پرسش اصلی یعنی «ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان ساکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه» و گردآوری داده‌های پژوهش، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق استفاده شد. برای ارزیابی قابلیت اعتبار و روایی پژوهش، از روش‌هایی نظیر درگیری طولانی‌مدت و مشاهده مداوم، انتخاب نمونه‌های مناسب، گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها و بازنگری توسط مشارکت‌کنندگان و جستجو برای شواهد مغایر، استفاده شد. جهت سنجش پایایی نیز از روش پایایی بازآزمون استفاده شد. شاخص ثبات یا پایایی بازآزمون به میزان سازگاری طبقه‌بندی داده‌ها در طول زمان اشاره دارد که در آن ابتدا فرد کدگذار مستقل، با پیشینه موضوع آشنا می‌شود و پس از یادگیری روش کدگذاری، داده‌ها را کدگذاری می‌کند. سپس با یکی از معیارهای توافق درصدی، نظیر روش هولستی، آلفای کریپندروف، کاپای کوهن و پای اسکات، میزان تطابق کدها تعیین می‌شود (Short et al., 2010). میزان تطابق کدگذاری‌ها در این پژوهش با استفاده از روش پایایی بازآزمون هولستی، مشخص شد. فرمول ضریب توافق کدگذاری به روش هولستی عبارت است از:

$$PAO = 2M / (N1 + N2); (2 \times 13) / (14 + 16) = \%87 \quad (1)$$

PAO در رابطه (۱) به معنی درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی)، M تعداد موارد کدگذاری شده توسط دو کدگذار است که بین آن‌ها توافق وجود داشته باشد. N1 تعداد کلی موارد کدگذاری شده توسط کدگذار نخست است و N2 تعداد موارد کدگذاری شده توسط کدگذار دوم است. این رقم بین صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است. در صورتی که خروجی فرمول بیشتر از

ضرورت‌های کاربری برنامه توانبخشی مبتنی بر.....

۸۰ درصد باشد، پایایی تحلیل کدگذاری‌ها حاصل می‌شود (Roll-Hansen, 2009). با توجه به اینکه درصد توافق حاصل شده بیشتر از ۸۰ درصد است، بنابراین پایایی پژوهش نیز مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج و بحث

برای پاسخ به پرسش «ضرورت‌های کاربری برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان ساکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه»؛ با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای استقرایی، ابتدا مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق با مطلعان کلیدی به‌صورت کدگذاری باز و اولیه مفهوم‌سازی شد. با تجزیه و تحلیل نظرها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش، کدهای اولیه استخراج شد. سپس کدهای مشترک مصاحبه‌شوندگان به‌همراه کدهای بااهمیت از دید پژوهشگر به‌عنوان کدهای نهایی مشخص شدند. با استفاده از فرایند کدگذاری باز، ۸۱ کد اولیه، ۱۵ مفهوم اصلی و ۶ مقوله در راستای ضرورت‌های کاربری برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. کدهای اولیه، مفاهیم اصلی و مقولات احصاء شده

ردیف	کدهای باز	مفاهیم اصلی	مقوله
۱	نیاز به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خاص	نیازهای مهارتی و تخصصی	
۲	نیاز به آموزش‌های نرم‌افزاری و فناوری		
۳	نیاز به آموزش‌های مدیریتی و کسب و کار		
۴	نیاز به آموزش‌های کسب و کار		
۵	نیاز به مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی		
۶	نیاز به آموزش‌های تخصصی بر اساس نوع معلولیت		
۷	تجربیات قبلی در بازار کار		
۸	محدودیت‌های جسمی و روانی	نیاز به توجه به تفاوت‌های فردی افراد جامعه	
۹	نیاز به تجهیزات کمکی (مانند ویلچرهای مخصوص)		
۱۰	نیاز به ابزارهای کمکی برای کار (مانند نرم‌افزارهای دسترسی)		
۱۱	نیاز به به‌روزرسانی و تعمیر تجهیزات		
۱۲	نیاز به امکانات و ابزارهای تخصصی برای شغل‌های خاص		
۱۳	نیاز به زیرساخت‌های فیزیکی مناسب (مانند میز و صندلی‌های قابل تنظیم)		
۱۴	تأثیر وضعیت جسمی بر کارایی شغل		
۱۵	پشتیبانی از سلامت روانی و جسمی	ضرورت توانمندسازی شغلی	
۱۶	فقدان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مناطق روستایی		
۱۷	نبود برنامه‌های کارآموزی برای معلولان		

ردیف	کدهای باز	مفاهیم اصلی	مقوله
۱۸	نبود مدرسان تخصصی برای کار با معلولان		
۱۹	ضعف در آموزش بازاریابی و فروش محصولات		
۲۰	عدم دسترسی به دوره‌های کارآفرینی و مدیریت مالی		
۲۱	ناآگاهی از روش‌های نوین تولید و کسب و کار		
۲۲	نبود آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های دیجیتال		
۲۳	نگرش منفی و ناآگاهی جامعه نسبت به توانایی‌های معلولان		
۲۴	تبعیض و عدم پذیرش اجتماعی در بازار کار		
۲۵	فشارهای فرهنگی مبنی بر خانه‌نشینی افراد دارای معلولیت		
۲۶	عدم حمایت خانواده‌ها به دلیل فقر فرهنگی	نیاز به ارتقای	
۲۷	نبود نهادهای مدنی قوی در مناطق روستایی برای حمایت از حقوق معلولان	نگرش اجتماعی	
۲۸	محدودیت‌های قانونی و ضعف در حمایت‌های حقوقی		
۲۹	مشکلات ناشی از کمبود تعامل اجتماعی و انزوای اجتماعی معلولان		
۳۰	نیاز به افزایش درآمد معلولان		
۳۱	وابستگی به کمک‌های دولتی یا خیریه‌ها		
۳۲	دسترسی محدود به منابع اقتصادی		
۳۳	نابرابری در دسترسی به تسهیلات بانکی	نیاز به بهبود	
۳۴	کاهش فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی	وضعیت معیشتی	
۳۵	عدم وجود ذخایر مالی برای سرمایه‌گذاری	معلولان	
۳۶	ناتوانی در پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری		
۳۷	ناپایداری اقتصادی خانواده‌ها		
۳۸	مشکلات اقتصادی ناشی از بحران‌های ملی و بین‌المللی		
۳۹	جلوگیری از مهاجرت معلولان به شهر	پایداری اقتصادی و	پایداری اقتصادی، کاهش
۴۰	ضعف اقتصاد محلی	کاهش مهاجرت	مهاجرت، کاهش
۴۱	ناپایداری اقتصادی در روستاها		فقر و نابرابری اقتصادی
۴۲	نیاز به ایجاد شغل‌های پایدار برای جلوگیری از مهاجرت		
۴۳	نبود فرصت‌های کافی برای سرمایه‌گذاری محلی		
۴۴	فقدان زنجیره‌های تأمین محلی برای تسهیل فرایندهای تولید و فروش	تقویت اقتصاد	
۴۵	وابستگی به مشاغل فصلی و غیر پایدار	محلی و	
۴۶	مشکلات زیست‌محیطی که مانع توسعه صنایع کوچک می‌شود	فرصت‌های شغلی	
۴۷	کمبود کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی محلی		
۴۸	ضعف در برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از منابع طبیعی		
۴۹	کاهش حمایت‌های مالی و اقتصادی برای کارآفرینی در مناطق روستایی		
۵۰	کمبود زیرساخت‌های بهداشتی	بهبود دسترسی به	نیاز به برنامه -
۵۱	عدم دسترسی به خدمات توانبخشی	خدمات	

ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر.....

ردیف	کدهای باز	مفاهیم اصلی	مقوله
۵۲	عدم دسترسی به اینترنت و فناوری‌های دیجیتال در بسیاری از مناطق روستایی		ریزی برای تقویت زیرساخت‌های محلی و خدماتی
۵۳	فاصله زیاد از مراکز بازار و فروش محصولات		
۵۴	کمبود امکانات رفاهی و تفریحی برای افزایش انگیزه زندگی و کار		
۵۵	ضعف حمل و نقل و مشکلات دسترسی به مراکز حمایتی		
۵۶	نبود امکانات مناسب‌سازی شده برای معلولان در مراکز عمومی		
۶۷	ناکافی بودن امکانات فنی برای توانبخشی معلولان	تقویت زیرساخت‌های توانبخشی	
۵۸	کمبود دسترسی به خدمات مشاوره‌ای و حمایتی در مناطق روستایی		
۵۹	نبود شبکه ارتباطی و دسترسی به اینترنت برای ارتقای آموزش و حمایت از معلولان		
۶۰	عدم رعایت حقوق قانونی معلولان	اجرای قوانین حمایتی	اجرای تعهدات قانونی و بین‌المللی
۶۱	ناکافی بودن قوانین حمایتی		
۶۲	فشارهای بین‌المللی در حمایت از حقوق معلولان		
۶۳	نبود نظارت کافی بر اجرای قوانین حمایت از معلولان		
۶۴	عدم تعهد به تعهدات بین‌المللی در زمینه حقوق معلولان	بهبود نظارت بر حقوق معلولان	
۶۵	فقدان سازوکارهای قانونی برای حل مشکلات کاری و اجتماعی معلولان		
۶۶	تأثیر منفی خشکسالی بر مشاغل کشاورزی و دامداری		تأثیرات بحران‌های طبیعی و اقلیمی
۶۷	تخریب زیرساخت‌ها به واسطه سیل و بلایای طبیعی	نیاز به تغییر و تنوع در الگوهای کسب و کار محلی	
۶۸	از بین رفتن کیفیت زمین‌های کشاورزی و کاهش بهره‌وری محصولات		
۶۹	افزایش بیابان‌زایی و کاهش فرصت‌های شغلی در محیط‌های روستایی		
۷۰	تأثیرات تغییرات اقلیمی بر مشاغل سنتی		
۷۱	کمبود منابع آب برای کشاورزی و دامداری	کمبود منابع طبیعی و کاهش بهره‌وری کشاورزی	
۷۲	کاهش درآمدهای کشاورزی و وابستگی به مشاغل غیر کشاورزی		
۷۳	مشاغل در بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات)		ضرورت بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی موجود
۷۴	مشاغل پاره‌وقت و تمام‌وقت		
۷۵	مشاغل با شرایط انعطاف‌پذیر	تنوع مشاغل	
۷۶	مشاغل خانگی و کار از راه دور		
۷۷	مشاغل در بخش‌های جدید و نوآورانه		
۷۸	ثبات و امنیت شغلی		
۷۹	فرصت‌های ارتقاء شغلی		
۸۰	امکانات بیمه، مزایای شغلی، میزان درآمد و تناسب آن با هزینه‌های زندگی	پایداری مشاغل	
۸۱	شرایط کاری منطبق با نیازهای معلولان		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها برای پاسخ به پرسش «ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان ساکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه» در شکل ۱ ارائه داده شده است.



شکل ۱. ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان
مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توانمندسازی کارآفرینانه معلولان با دیدگاه اشتغال‌زایی نیازمند نگاهی عمیق و مبتکرانه است که در آن به تقویت حس مسئولیت‌پذیری و خودباوری مددجویان باید بیش از هر چیز دیگری توجه شود. علاوه بر این، سیاست‌گذاری مناسب در حوزه اشتغال اقشار آسیب‌پذیر نیازمند انجام اصلاحاتی در حوزه‌های مرتبط با استخدام مددجویان، بهره‌گیری از دیدگاه کارشناسان خبره در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای تدوین اصول و سیاست‌های مناسب است. بدیهی است کنار گذاشتن سیاست‌های ناکارآمد گذشته نیز تا حد زیادی می‌تواند به حل مشکل مددجویان کمک نماید.

البته در این عرصه با دیدگاهی کل‌گرا و همه‌جانبه باید جهت واکاوی عمیق‌تر مسائل و مشکلات و دستیابی به راهکارهایی جامع، به تمامی جنبه‌های فردی، روحی‌روانی، جسمانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و سازمانی توجه شود. سازمان بهزیستی استان کرمانشاه به‌عنوان یک نهاد حمایتی و اجتماعی، با هدف ارتقاء کیفیت زندگی و فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای افراد با نیازهای ویژه و آسیب‌پذیر فعالیت می‌کند. این سازمان با توجه به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی موجود به دنبال ایجاد اشتغال پایدار برای این قشر از جامعه است.

اشتغال پایدار نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی افراد کمک می‌کند؛ بلکه به توانمندسازی و افزایش اعتمادبه‌نفس و مشارکت اجتماعی آن‌ها نیز منجر می‌شود. برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه، یکی از استراتژی‌های کلیدی سازمان بهزیستی در راستای تحقق این اهداف است. این برنامه با تمرکز بر توانمندسازی جامعه و بهره‌گیری از منابع محلی، تلاش می‌کند تا فرصت‌های شغلی متناسب با شرایط و توانمندی‌های افراد دارای معلولیت را شناسایی و فراهم آورد. با همکاری جامعه، خانواده‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی، برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه به دنبال ایجاد الگوهای اشتغال پایدار است که نه تنها نیازهای اقتصادی افراد را برآورده کند؛ بلکه زمینه‌ساز توسعه اجتماعی و فرهنگی آن‌ها نیز باشد. در این راستا، توجه به نیازهای خاص هر فرد و شناخت استعدادها و توانمندی‌های او، نقش بسزایی در موفقیت برنامه‌های اشتغال و توانبخشی ایفا می‌کند. به همین دلیل سازمان بهزیستی استان کرمانشاه با استفاده از رویکردی جامع و متناسب با شرایط محلی در تلاش است تا از طریق برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه به تحقق اشتغال پایدار و بهبود کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت بپردازد.

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که برای ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان ساکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه، مقولات نیاز به توجه به تفاوت‌های فردی افراد جامعه، پایداری اقتصادی، کاهش مهاجرت، کاهش فقر و نابرابری اقتصادی، نیاز به برنامه‌ریزی برای تقویت زیرساخت‌های محلی و خدماتی، اجرای تعهدات قانونی و بین‌المللی، تأثیرات بحران‌های طبیعی و اقلیمی و ضرورت بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی موجود احصاء شد. یافته‌های این پژوهش با شواهد موجود در مطالعات وفایی و همکاران (Vafaei et al., 2021)، وکیل‌الرعا و اقوامی (Vakil-e-Raaya & Aghvami, 2019)، ابراهیمی‌نژاد و همکاران (Ebrahiminejad et al., 2018)، حسینی (Hosseini, 2018)، باقری و همکاران (Bagheri et al., 2015)، محمدی و ممیز (Momayez, 2014 & Mohammadi)، رهبر و

همکاران (Rahbar et al., 2013)، باربا-سانچز و همکاران (Barba-Sánchez et al., 2024)، داکونگ و همکاران (Dakung et al., 2023)، لویزفیلیپه و مانزانا رومان (López-Felipe & Manzanera-Román, 2019)، شیر و همکاران (Shir et al., 2019) و کریس و همکاران (Grisé et al., 2019) هم‌راستا است.

در جمع‌بندی یافته‌های این پژوهش می‌توان اظهار نمود که ضرورت‌های کاربست برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای توانمندسازی کارآفرینانه معلولان ساکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه متأثر از عوامل گوناگونی است. ازجمله مهمترین این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- توجه به تفاوت‌های فردی و اجتماعی: هر فرد دارای معلولیت با توجه به شرایط جسمانی، روانی و اجتماعی خاص خود، نیاز به برنامه‌های شغلی دارد که به تفاوت‌های فردی و ظرفیت‌های خاص او توجه کنند. درواقع، توانمندی‌های هر فرد با دیگری متفاوت است و برنامه‌ریزی توانمندسازی باید به گونه‌ای باشد که این تفاوت‌ها را در نظر بگیرد. این امر باعث می‌شود که معلولان از توانایی‌ها و مهارت‌های خود به شکل بهینه استفاده کنند و در مسیری قرار گیرند که با خصوصیات و نیازهای آن‌ها همخوانی دارد. این رویکرد با فراهم کردن فرصت‌های شغلی متناسب، حس ناتوانی را در این افراد کاهش داده و خودباوری و اعتمادبه‌نفس آن‌ها را تقویت می‌کند. این احساس توانمندی به افزایش مشارکت و انگیزه برای رشد و توسعه فردی نیز کمک می‌کند؛ چراکه افراد معلول با بهره‌گیری از استعدادهای خود جایگاه مؤثرتری در جامعه خواهند داشت.
- اهمیت پایداری اقتصادی در برنامه‌ریزی‌های شغلی: مناطق روستایی استان کرمانشاه با چالش‌های اقتصادی فراوانی مواجهند که اغلب با نوسانات اقتصادی، بی‌ثباتی و رکود همراه است. پایداری شغلی برای معلولان به معنای داشتن منبع درآمدی ثابت است که به آن‌ها امکان می‌دهد در طولانی‌مدت به استقلال مالی برسند. بنابراین برنامه‌ریزی توانمندسازی کارآفرینانه باید به گونه‌ای باشد که در برابر بحران‌های اقتصادی و تغییرات بازار مقاومت داشته باشد. این رویکرد می‌تواند از طریق ایجاد مشاغل محلی و بومی که پایداری بالاتری دارند یا از طریق توسعه مشاغلی که با طبیعت، اقلیم منطقه و توانایی‌های معلولان سازگارند، تحقق یابد. توانمندسازی کارآفرینانه باعث ایجاد انگیزه در افراد معلول برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود و به تقویت اقتصاد روستایی نیز منجر می‌شود.

- جلوگیری از مهاجرت و حمایت از زندگی در روستاها: افراد دارای معلولیت در بسیاری از مناطق روستایی به دلیل نبود فرصت‌های شغلی مناسب و حمایت‌های لازم مجبور به مهاجرت به شهرها می‌شوند. این موضوع موجب کاهش جمعیت روستاها و از دست رفتن ظرفیت‌های محلی می‌شود. برای جلوگیری از این مهاجرت‌ها، لازم است که خدمات و فرصت‌های شغلی مناسب در روستاها ایجاد شود. با ارائه مشاغل بومی و توسعه زیرساخت‌های خدماتی در روستاها، افراد دارای معلولیت می‌توانند در محل زندگی خود به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند و از امکانات مورد نیاز بهره‌مند شوند. این امر علاوه بر کنترل مهاجرت، به توسعه مناطق کمتر برخوردار کمک می‌کند و باعث می‌شود تا زندگی در روستاها پایدارتر شود.
- کاهش فقر و نابرابری اقتصادی: توانمندسازی کارآفرینانه افراد دارای معلولیت در مناطق روستایی، تأثیر مثبتی بر کاهش فقر و نابرابری‌های اقتصادی دارد. توانمندسازی کارآفرینانه معلولان باعث می‌شود که درآمد خانوار افزایش یابد و سطح زندگی آن‌ها بهبود پیدا کند. این درآمدزایی، به کاهش وابستگی این خانواده‌ها به کمک‌های حمایتی و افزایش استقلال مالی آن‌ها منجر می‌شود. همچنین، کاهش نابرابری اقتصادی از طریق اشتغال معلولان به بهبود شرایط اقتصادی در سطح منطقه و رفع تبعیض‌های اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند و سبب توزیع عادلانه ثروت در جامعه می‌شود.
- ضرورت تقویت زیرساخت‌های محلی و خدماتی: برای موفقیت برنامه‌های اشتغال‌زایی، فراهم آوردن زیرساخت‌های مناسب ضروری است. این زیرساخت‌ها شامل حمل و نقل عمومی برای دسترسی به محل کار، خدمات بهداشتی و مشاوره‌ای، و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است که باید برای معلولان در دسترس باشد. ایجاد و تقویت این امکانات باعث می‌شود که افراد دارای معلولیت بتوانند بدون مشکل به فرصت‌های شغلی و خدمات حمایتی دسترسی داشته باشند. علاوه بر این، فراهم بودن اینترنت و فناوری‌های ارتباطی در روستاها نیز امکان توسعه و آموزش از راه دور را فراهم می‌کند و به گسترش فرصت‌های شغلی و یادگیری مهارت‌های کارآفرینانه جدید کمک می‌کند.
- اجرای تعهدات قانونی و بین‌المللی: کشورها تعهدات قانونی و بین‌المللی بسیاری در زمینه حقوق معلولان دارند که شامل فراهم کردن فرصت‌های برابر در اشتغال و کارآفرینی نیز می‌شود. اجرای این تعهدات توسط دولت‌ها و نهادهای محلی می‌تواند به تضمین حقوق و حمایت از معلولان در دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب کمک کند. نظارت و پایش به این تعهدات

حقوقی موجب می‌شود تا افراد دارای معلولیت از حمایت‌های کافی برخوردار شوند و جامعه به سمت عدالت و برابری بیشتر حرکت کند. این امر همچنین به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک خواهد کرد که بر حقوق و شمول اجتماعی معلولان تأکید دارد.

- تأثیرات بحران‌های طبیعی و اقلیمی بر اشتغال معلولان: استان کرمانشاه به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود با بحران‌های طبیعی مانند زلزله و خشکسالی مواجه است که می‌توانند اشتغال و زندگی افراد دارای معلولیت را تحت تأثیر قرار دهند. برای حمایت از اشتغال پایدار این افراد، مشاغلی که در برابر این چالش‌ها مقاومت داشته باشند، ضروری است. به عنوان مثال، ایجاد مشاغلی در بخش‌های کشاورزی مقاوم به خشکسالی یا خدمات برخط و غیر حضوری می‌تواند به حفظ اشتغال در شرایط بحرانی کمک کند. این سازگاری باعث می‌شود که افراد دارای معلولیت در شرایط بحرانی نیز به فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه دهند و کمتر تحت تأثیر نوسانات ناشی از بحران‌های اقلیمی قرار گیرند.

- بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی موجود و بومی: استفاده از ظرفیت‌های بومی هر منطقه که با توانایی‌ها و محدودیت‌های معلولان همخوانی داشته باشد، یکی از اصول مهم در اشتغال پایدار است. این مشاغل محلی معمولاً پایداری بیشتری دارند و با ویژگی‌های اجتماعی و جغرافیایی منطقه همخوانی دارند. برای مثال، مشاغلی در بخش‌های کشاورزی، صنایع دستی یا گردشگری روستایی که نیاز به جابجایی ندارند و با توانایی‌های جسمانی مختلف سازگارند، می‌توانند گزینه‌های مناسبی برای معلولان باشند. بهره‌برداری از این فرصت‌ها هم به موفقیت شغلی افراد معلول کمک می‌کند و هم ظرفیت‌های بومی منطقه را به کار می‌گیرد و موجب توسعه پایدار مناطق روستایی می‌شود.

برای توانمندسازی کارآفرینانه و ایجاد اشتغال پایدار معلولان در برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه برای مناطق روستایی استان کرمانشاه، علاوه بر پیشنهادهای فوق، پیشنهادهای کاربردی و اجرایی زیر نیز می‌تواند به تسهیل این فرایند کمک نماید:

- تقویت آموزش‌ها و کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای: پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی جامع و کارآموزی برای معلولان طراحی و اجرا شود. این برنامه‌ها باید به‌طور خاص به نیازهای این افراد توجه داشته باشد و شامل دوره‌های مهارتی و مدیریتی مرتبط با مشاغل موجود در بازار کار باشد.

- تأمین تجهیزات و ابزارهای کمکی: برای افزایش توانمندی‌های کارآفرینانه و شغلی معلولان نیاز به تأمین تجهیزات و ابزارهای تخصصی وجود دارد. دولت و نهادهای مربوطه باید برنامه‌هایی برای تأمین این تجهیزات و ابزارها تدوین کنند.
- ایجاد فرصت‌های کارآفرینانه و شغلی پایدار: توسعه برنامه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی برای ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و کاهش وابستگی به کمک‌های دولتی ضروری است. این برنامه‌ها باید بر تقویت اقتصاد محلی و افزایش توانمندی‌های شغلی معلولان متمرکز شوند.
- اجرای اثربخش قوانین حمایتی: به‌منظور بهبود وضعیت معلولان نیاز به اجرای مؤثر قوانین و مقررات حمایتی وجود دارد. این امر شامل نظارت و پیگیری دقیق بر اجرای تعهدات قانونی و بین‌المللی در زمینه حقوق معلولان می‌شود.
- تنوع در الگوهای کسب و کار: برای مقابله با تأثیرات منفی بحران‌های طبیعی و تغییرات اقلیمی، نیاز به تنوع در الگوهای کسب و کار محلی وجود دارد. ایجاد مشاغل جدید و نوآورانه، می‌تواند به افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود وضعیت اقتصادی معلولان کمک کند.
- تقویت زیرساخت‌های محلی: نیاز به تقویت زیرساخت‌های بهداشتی، آموزشی و خدماتی برای معلولان در مناطق روستایی احساس می‌شود. این تقویت زیرساخت‌ها می‌تواند شامل بهبود دسترسی به خدمات توانبخشی، اینترنت و فناوری‌های دیجیتال باشد.
- ارتقاء فرهنگ و آگاهی جامعه نسبت به توانمندی‌های افراد دارای معلولیت: برگزاری پویش‌های آگاهی‌بخشی و انتشار اطلاعات مثبت از موفقیت‌های این افراد در رسانه‌های محلی و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به کاهش تبعیض‌ها و افزایش پذیرش اجتماعی کمک کند. همچنین، مشوق‌های اجتماعی برای کارفرمایان به استخدام بیشتر معلولان و مشارکت آنان در جامعه یاری می‌رساند.
- توانمندسازی روانی و مهارتی از طریق برگزاری دوره‌های روان‌شناسی و مشاوره برای ارتقاء انگیزه، آموزش مهارت‌های فنی و کارآفرینی و شغلی متناسب با نوع معلولیت و نیازهای بازار کار محلی، و ارائه تمرین‌های عملی: این اقدامات به افراد کمک می‌کند تا بتوانند با اعتمادبه‌نفس بیشتر وارد بازار کار شوند و مهارت‌های خود را در کسب و کارهای پایدار به کار گیرند.
- حمایت از کسب و کارهای خرد و کوچک محلی: این حمایت شامل اعطای وام‌ها و تسهیلات کم‌بهره با تنفس بلندمدت، مشاوره‌های مدیریتی و مالی، مشاوره‌های کسب و کار و ایجاد

بازارهای محلی برای محصولات این کسب و کارها است. ترویج کسب و کارهای خانگی و صنایع دستی نیز می‌تواند برای معلولان فرصت‌های شغلی مناسب و سازگار با شرایط فردی آن‌ها فراهم نماید.

- برگزاری دوره‌های آموزشی بازاریابی برای تولیدکنندگان دارای معلولیت در هر منطقه با توجه به شرایط اقلیمی و توانایی‌های فردی.
- راه‌اندازی سامانه‌های برخط یا برنامه‌های کاربردی محلی جهت فروش و تبلیغ محصولات محلی، به‌ویژه در بخش صنایع دستی و تولیدات خانگی.
- تقویت مشارکت‌های محلی و جامعه‌محور: این مشارکت‌ها از طریق ایجاد تشکلهای محلی، برگزاری جلسات آموزشی و اطلاع‌رسانی برای جامعه محلی، و ترویج نگرش‌های مثبت نسبت به حضور افراد دارای معلولیت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی تقویت می‌شود. حضور فعال جامعه در این فرایند، به ایجاد حس همبستگی و حمایت از کارآفرینی محلی کمک نموده و فضای مشارکتی و حمایتی را برای معلولان فراهم می‌کند.
- آموزش خانواده‌ها در زمینه چگونگی حمایت از معلولان و تشویق آن‌ها به حضور در بازار کار می‌تواند تأثیر مثبت زیادی داشته باشد. خانواده‌ها به‌عنوان نزدیک‌ترین حامیان معلولان می‌توانند نقش مؤثری در تقویت اعتمادبه‌نفس و انگیزه این افراد برای ورود به عرصه‌های کارآفرینی و شغلی ایفا کنند.
- تحقیقات مستمر و پیوسته درباره نیازها و چالش‌های اشتغال معلولان می‌تواند به بهبود فرایند سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های حمایتی مناسب منجر شود. تحقیقات علمی و مطالعات آماری می‌تواند اطلاعات دقیقی در خصوص نیازهای خاص معلولان در مناطق روستایی ارائه دهد و به تصمیم‌گیری‌های کارآمدتر کمک نماید.

سپاسگزاری

به این وسیله نویسندگان مقاله از کلیه مدیران و کارشناسان اداره کل بهزیستی و سازمان‌های ذی‌ربط استان کرمانشاه، خبرگان دانشگاهی و همه افراد معلول کارآفرین، برای مشارکت در این پژوهش، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع

1. Amwe, R.A., & Dala, B.G. (2023). Socio-economic rehabilitation of persons with visual impairment: A community based rehabilitation approach. special needs education from the lens of interdisciplinary dialogue: A Festschrift in Honour of Prof. EMEKA D. OZOJI, 2(2).
2. Asadi, M.M., Bassouli, M. & Boroumandzad, Y. (2022). A model for developing disabled tourism in the city of Yazd. *Social Studies in Tourism*, 14(14). <http://www.journalitor.ir/fa/Article/35750/FullText>. [In Persian]
3. Bagheri, A., Taghavi Maryam Abadi, F. & Arasti, Z. (2015). Identifying entrepreneurial competencies focusing on entrepreneurs with physical and mobility disabilities. *Journal of Entrepreneurship Development*, 8(3), 473-492. doi: 10.22059/jed.2015.57646. [In Persian]
4. Barba-Sánchez, V., Salinero, Y., Jiménez Estévez, P. & Ruiz-Palomino, P. (2024). How entrepreneurship drives life satisfaction among people with intellectual disabilities (PwID): A mixed-method approach. *Management Decision*, 62(2), 426-449. <https://doi.org/10.1108/MD-11-2022-1568>.
5. Caldwell, K., Harris, S.P. & Renko, M. (2016). Social entrepreneurs with disabilities: Exploring motivational and attitudinal factors. *Canadian Journal of Disability Studies*, 5(1), 211-244. <https://doi.org/10.15353/cjds.v5i1.255>.
6. Dakung, R.J., Bell, R., Orobia, L.A., Dakung, K.R. & Yatu, L.N. (2023). Passion and intention among aspiring entrepreneurs with disabilities: The role of entrepreneurial support programs. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 30(7), 1241-1263. <https://doi.org/10.1108/JSBED-01-2023-0019>.
7. Ebrahiminejad, M., Sepehrnia, A. & Askari Baqerabadi, M. (2018). Identifying and prioritizing the barriers to employment of motionally disabled people in the private sector from the perspective of entrepreneurs and disabled people with the ANP Approach. *MEJDS*, 8, 79-79. [In Persian]
8. Gaddis, I., Oseni, G., Palacios-Lopez, A. & Pieters, J. (2023). Who is employed? Evidence from sub-Saharan Africa on redefining employment. *Journal of African Economies*, 32(2), 151-174.
9. General Welfare Department of Kermanshah Province (2024). Available at: <https://www.behzisti.ir/service/province/kermanshah>.
10. Grisé, E., Boisjoly, G., Maguire, M. & El-Geneidy, A. (2019). Elevating access: Comparing accessibility to jobs by public transport for individuals with & without a physical disability. *Transportation Research Part A: Policy & Practice*, 125(3), 280-293.

11. Holub, T. (2001). Entrepreneurship among People with Disabilities. www.celcee.edu/publications/digest/Dig01-05.html.
<https://www.who.int/publications/i/item/9789241564182.2024>.
12. Hosseini, L. (2018). Review of the experience of empowering the disabled: (Japan case study), International Conference on Security, Progress and Sustainable Development of Border, Territorial and Metropolitan Areas, Solutions and Challenges Focusing on Passive Defense and Crisis Management, Tehran, <https://civilica.com/doc/876146>. [In Persian]
13. Hsieh, Y.C., Molina, V.M.J. & Weng, J. (2019). The road to entrepreneurship with impairments: A challenges-adaptive mechanisms-results model for disabled entrepreneurs. *International Small Business Journal*, 37(8), 761-779. <https://doi.org/10.1177/0266242619867>.
14. Hwang, S.K., & Roulstone, A. (2015). Enterprising? Disabled? The status & potential for disabled people's microenterprise in South Korea. *Disability & Society*, 30(1), 114-129.
15. ILO. (2023). employment & poverty, available at: www.ilo.org/public/english/employment International Labour Organization. (2023). Decent work and sustainable employment. Retrieved from <https://www.ilo.org>.
16. Irvani, M., Hatami-Zade, N., Fotouhi, A., Hossein-Zadeh, S. (2011). Comparing effectiveness of new training program of local trainers of community-based rehabilitation program with the current program: A knowledge, attitude and skills study. *Jrehab*, 12(3), 44-52. <http://rehabilitationj.uswr.ac.ir/article-1-962-fa.html>.
[In Persian]
17. Jalali, A., & Kasaeipour, E. (2022). Investigating entrepreneurship in the employment of disabled people. 9th International Conference on Accounting, Management and Innovation in Business, Tehran. <https://civilica.com/doc/1402298>. [In Persian]
18. López-Felipe, M.T., & Manzanera-Román, S. (2019). The influence of the family on the entrepreneurship of disabled people in Spain. *Suma de Negocios*, 10(SPE22), 51-57.
19. Mahmoudian Dehkordi, A., Baghban, I. (2007). Vocational rehabilitation of the disabled. *Work and Society*, 87-88, 35-43. [In Persian]
20. Mang'eni, E. (2021). Factors influencing the growth of entrepreneurship among persons with disabilities in Nairobi City County, Kenya (Doctoral dissertation, University of Nairobi).

21. Marín-Palacios, C., Carrero Márquez, O. & Lohan, R.P. (2022). Review of employment & disability: Bibliographic analysis. *Journal of Enterprising Communities: People & Places in the Global Economy*, 16(1), 119-145.
22. Martin, B.C., & Honig, B. (2020). Inclusive management research: Persons with disabilities & self-employment activity as an exemplar. *Journal of Business Ethics*, 166(3), 553–575.
23. Miller, D. & Breton-Miller, L. (2017). Underdog entrepreneurs: A model of challenge based entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory & Practice*, 41(1). 7-17.
24. Mohammadi, Sh., & Momayez, A. (2014). Identifying critical success factors in social technopreneurship for delivering municipal services to disabled people. *Journal of Science and Technology Policy*, 7(3), 67-86. https://jstp.nrisc.ac.ir/article_12907.html?lang=en. [In Persian]
25. National Welfare Organization (2024). <https://socialwork.ir/>, 2024. [In Persian]
26. Norstedt, M., & Germundsson, P. (2023). Motives for entrepreneurship and establishing one's own business among people with disabilities: Findings from a scoping review. *Disability & Society*, 38(2), 247-266. <https://doi.org/10.1080/09687599.2021.1919504>.
27. Pagán, R. (2009). Self-employment among people with disabilities: Evidence for Europe. *Disability & Society*, 24(2), 217-229.
28. Rahbar, F., Momayez, A. & Mohammadi, S. (2013). Identifying the factors influencing activity of technology-based small and medium sized enterprises in the services field for the disabled (case study: the urban management of Tehran). *Journal of Iranian Social Development Studies*, 4(4), 57. [In Persian]
29. Raj, V.S., & Thomas M. (2015). Effectiveness of training communitybased rehabilitation workers on multiple disabilities: A pilot study. *International Journal of Health & Allied Sciences*. 4(4), 259-62. <https://doi.org/10.4103/2278-344X.167654>.
30. Roll-Hansen, N. (2009). Why the distinction between basic (theoretical) and applied (practical) research is important in the politics of science. London School of Economics and Political Science, Contingency and Dissent in Science Project.
31. Roni, N. (2009). Disabled Entrepreneurship: A viable route of opportunity for the disabled? MMUBS Doctoral Symposium. Available at: <http://www.ribm.mmu.ac.uk/symposium2009/Papers%2009/Roni,%20Naheed.pdf>.

32. Saxena, S.S., & Pandya, R.S.K. (2018). Gauging underdog entrepreneurship for disabled entrepreneurs. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 12(1), 3-18.
33. Shir, N., Nikolaev, B.N. & Wincent, J. (2019). Entrepreneurship and well-being: The role of psychological autonomy, competence, and relatedness. *Journal of Business Venturing*, 34(5), 105875. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2018.05.002>.
34. Short, J.C., Broberg, J.C., Coglisier, C.C. & Brigham, K.H. (2010). Construct validation using computer-aided text analysis (CATA) an illustration using entrepreneurial orientation. *Organizational Research Methods*, 13(2), 320-347.
35. Soltani Movaghar, N. (2011). Studying the employment status of disabled people in Iran and England in light of international human rights standards. Master's thesis, International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran. [In Persian]
36. Uddin, M.A., & Jamil, S.A. (2015). Entrepreneurial barriers faced by disabled in India. *Asian Social Science*, 11(24). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2946999>.
37. Vafaei, A., Cheraghali, M., Hosseini, S.M.R. & Mostaghimi, M. (2021). Providing the entrepreneurial model of the disabled people with a creativity and self-employment approach using grounded theory. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 8(4), 53-72. doi: 10.22069/jead.2021.19319.1509. [In Persian]
38. Vakil-e-Raaya, Y., & Aghvami, F. (2019). Analysis of the effectiveness of factors affecting employment and business start-up of disabled people, <https://civilica.com/doc/1213669>. [In Persian]
39. World Bank. (2014). Disability inclusion overview. Available at: <http://www.worldbank.org/en/topic/disability> (accessed 27 May 2018).
40. World Bank. (2023). Jobs and development: Creating sustainable employment. Retrieved from <https://www.worldbank.org>.
41. World Health Organization & World Bank. (2017). World Report on Disability. Geneva: World Health Organization.
42. World Health Organization, (2011). World Report on Disability. Washington, DC: World Bank
43. Yamamoto, S., Unruh, D. & Bullis, M. (2011). The viability of self-employment for individuals with disabilities in the United States: A synthesis of the empirical-research literature. *Journal of Vocational Rehabilitation*, 35(2), 117-127.